

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"
فرستنده: احمد پوپل
۲۸ می ۲۰۲۵

شبانه

با هزاران سوزن الماس
نقره دوزی می کند مهتاب
روی ترمه
مرداب...
من نگاهم می دود – جوشیده از عمق عبوس فکر
سوی پنجره،

اما

پنجره

بیگانه با شوق نگاه من

به من چیزی

نمی گوید...

– پنجره

چون تلخی لبخنده خُزنی

باز شو

تا شاخه نوری بروید

در شکاف

خاک خشک

رنج

از بذر تلاش

من!

پنجره
بیدارِ شب
هشیارِ شب
در انتظارِ صبحدم چیزی
نمی‌گوید...

- پنجره!
دائم که آخر، چون یکی لبخند
خواهی
کُشت این
روح مصیبت را
که ماسیده است
در هزاران گوشهٔ تاریک و کورِ این شبستانِ سیاه و هم...

پنجره
در دردِ شام انجامِ خویش
از ظلمتِ پا در عدم چیزی
نمی‌گوید...

- پنجره!
بگشای از هم
چون کتابِ قصهٔ خورشید
تا امیدم باز جوید
در صدف‌های دهانِ رنج
صبح مروارید تابش را
به ژرفا ژرفِ این دریای
دورافتادهٔ نومید!

پنجره اما
هم از آن گونه - سر در کارِ خود -
بر بسته دارد لب
چون گلِ نشکفته لبخند
رشته رشته بذرِ مرواریدش اندر کام.
لیک امید من
از هزاران روزن او
صبح پاکِ
تازه رو را

می دهد پیغام.

با هزاران سوزنِ الماس

رویِ طاقه

شالِ کهنه

مُرداب

نقشه های بته جغه نقره دوزی می کند مهتاب.

۱۳۳۳

زندانیِ قصر